



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

قتل عام

حجاج یمنی

توسط وهابیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

|    |                                |
|----|--------------------------------|
| ۵  | فهرست                          |
| ۶  | قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان |
| ۶  | مشخصات کتاب                    |
| ۶  | مقدمه                          |
| ۷  | هجوم وحشیانه ی وهابیان بر حجاز |
| ۱۴ | پاورقی                         |
| ۱۶ | درباره مرکز                    |

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۷۹-۴۸۹۱

عنوان و نام پدیدآور : قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

منشا مقاله : ، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۰، ش ۲، (اردیبهشت ۱۳۷۹): ص ۵۵ - ۶۲.

توصیفگر : وهابیه

توصیفگر : کشتار دسته جمعی

توصیفگر : عربستان سعودی

توصیفگر : انگلستان

توصیفگر : آل سعود

### مقدمه

در سال ۱۳۴۱ وهابیان با حجاج یمنی که هیچ گونه وسیله ی دفاعی با خود نداشتند، روبه رو شدند. آنان در ابتدا با حجاج همراه شدند و به ایشان امان دادند ولی بعداً نیرنگ بکار بردند وقتی که به دامنه ی کوه رسیدند وهابیان در قسمت بالای و پهنای کوه قرار گرفتند و حجاج یمنی در پائین، آنگاه دهانه ی توپها را به طرف آنها کرده و همه را به گلوله بستند و همه ی آنها را که حدود هزار نفر بودند، کشتند و تنها دو نفر موفق به فرار شدند و از جریان این کشتار وحشیانه اطلاع دادند. مرحوم علامه ی امینی، پس از نقل این جریان و جنایت هولناک می گوید: «صاحب المنار طبق عادت دیرینه اش که برای اعمال زشت و ناهنجار وهابیان عذرتراشی می کند، از این جنایت هولناک وهابیان نیز در مجموعه مقالات خود «الوهابیون و الحجاز» این چنین عذرتراشی کرده است: «پس از درگذشت سید محمدعلی ادریسی که از منطقه ی عسیر به نفع پادشاه نجد کناره گفته بود، ملک حسین به آنجا یورش برد و وهابیان را سخت گوشمالی داد و به دنبال آن رویداد قتل حجاج یمنی پیش آمد، وهابیان به تصور آن که آنان سپاهیان امدادی ملک حسین هستند، به سوی آنها تیراندازی کردند و پس از آن که به اشتباه خود پی [ صفحه ۵۶ ] بردند سلطان عبدالعزیز از

امام یحیی پوزش خواست و با پرداخت غرامت معقولی بر حفظ مراتب دوستی موافقت کردند». [۱]. با این گونه عذر تراشی های خنک و فاسد هرگز نمی تواند جنایات وهابیان را در ریختن خون مسلمانان توجیه کند و بیوشاند زیرا این اولین بار نیست که وهابیان وحشی دست به چنین جنایت هولناک می زنند، بلکه آنها در هر فرصتی که پیش آمده، دهانه ی توپهای خود را به سوی مسلمانان گشوده اند و مسلمانان را با نیرنگ و ستم گاه در سوریه و گاه در حجاز یا عراق و یمن کشتار کرده اند، آری این جنایات وهابیه را همه فهمیده اند و هرگز این عذرهای بدتر از گناه نمی تواند بر روی آنها پرده کشد! صاحب المنار می گوید: وهابیه گمان کردند که حجاج یمنی کمک و سپاه امدادی ملک حسین هستند، چگونه می توان چنین احتمالی داد در صورتی که آنها سلاح با خود نداشتند و آنها مجاز نبودند در کشور دیگری با خود سلاح حمل کنند و اگر آنها اسلحه با خود داشتند وهابیه نمی توانستند آنها را قتل عام کنند، آیا وضع زائران خانه ی خدا از وضع جنگجویان شناخته نیست؟! چگونه انسان عاقلی می تواند چنین احتمالی بدهد که این جمعیت حجاج سپاه امدادی باشند؟ آیا وهابیه درباره ی عربهای شرق اردن نیز تصور کرده بودند که آنان سپاه امدادی هستند که با آنها در خانه هایشان جنگیدند و همه شان را به توپ و گلوله بستند و همه را از بین بردند؟! آیا مردم عراق را نیز سپاه امدادی می پنداشتند که پی در پی به آنها یورش می بردند و می کشتند و غارت می کردند و... [۲].

### هجوم وحشیانه ی وهابیان بر حجاز

ابن سعود به تدریج نفوذ خود را در تمام سرزمین

نجد توسعه داد و رقیب نیرومند خود ابن الرشید را از میان برد، درصدد برآمد حکومت خود را توسعه دهد و حجاز را به [ صفحه ۵۷] تصرف خود درآورد و حرمین شریفین را ضمیمه ی حکومت خویش نماید. مسأله ی فتح حجاز به واسطه ی وجود شهرهای مقدس مکه و مدینه بسیار دشوارتر و حساستر بود. از سوی دیگر ابن سعود که اکنون سالی ۶۰ / ۰۰۰ لیره ی استرلینگ از انگلستان دریافت می کرد مایل نبود برخلاف میل آنها عمل کند. و بالاخره فرقه گرائی خشونت آمیز وهابیان از نظر عربها و مسلمانان غیر وهابی خوشایند نبود و سبیت و بی رحمی آنان زمانی که یک قرن پیش محمد بن سعود حاکم بر مکه بود، از خاطره ها محو نشده بود. حال برای فتح حجاز عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن سعود می بایستی دو کار انجام دهد، یکی این که انگلیسی ها را به وفاداری بی چون و چرای خود نسبت به آنان کاملاً مطمئن سازد و دیگر این که مسلمانان جهان را متقاعد کند که قادر به سرپرستی و نگهداری اماکن مقدس اسلام می باشد. در مورد نکته ی اول کار ابن سعود مشکل نبود زیرا می دانست انگلستان از دست شریف حسین به تنگ آمده است، حسین مرتب سالوسی ها و ریاکاریهای گذشته ی انگلیسی ها را به رخ آنها می کشید و از آن مهمتر جهان اسلام را بر ضد اعلامیه ی بالفور و ایجاد یک «کانون ملی یهود» در فلسطین به شورش دعوت می کرد، لذا انگلیسی ها از همان شخصی که در «جنگ جهانی اول» به عنوان «قهرمان قیام عرب» نام می بردند، اکنون با صفتهای «مزور، دروغگو، زودباور، شکاک، لجوج، خودپسند، نادان، حریص و بی رحم» و به عبارت خلاصه نفرت انگیز یاد می کردند. [۳]



. و نیز آن طور که مؤلف تاریخ مکه نوشته است [۴]، مطامع استعماری انگلیسیها اقتضا می کرد که بندر عقبه را از حجاز جدا سازند و ادعا می کردند که آن را ضمیمه ی شرق اردن که تحت حکومت امیر عبدالله فرزند شریف حسین است، خواهند ساخت. شریف در این باره، به انگلیسیها سخت پرخاش کرد و آنان در عوض او را در مقابل [صفحه ۵۸] رقیب دیرینه اش ابن سعود، تنها گذاشتند، عاقبت ابن سعود، تصمیم گرفت به حجاز حمله کند، از این روی در غره ی ماه ذیقعدہ ی سال ۱۳۴۲ در ریاض انجمنی مرکب از علمای وهابی و رؤسای قبائل به ریاست پدرش عبدالرحمن تشکیل داد. ابتدا عبدالرحمن آغاز به سخن کرد و گفت نامه هایی رسیده و از ما درخواست سفر حج کرده اند من آن نامه ها را نزد فرزندم عبدالعزیز فرستاده ام، او امام شماسست، و هر چه می خواهید از او بخواهید. سپس ابن سعود خطاب به حاضرین گفت: نامه های شما رسید و از شکایت شما آگاه شدم، هر چیزی پایانی دارد و هر کاری باید به موقع انجام گیرد. بعد از سخنان ابن سعود، مذاکراتی جریان یافت و در نتیجه همه ی حاضران حمله به حجاز را تأیید کردند. مدت سه سال بود که شریف حسین به نجدیان، اجازه ی حج نداده بود. ابن سعود به دنبال تصمیم به جنگ، سپاهی به فرماندهی سلطان بن بجاد به سوی مکه، گسیل داشت، نیروهای وهابی در سال ۱۳۴۲ به محلی رسیدند که از آنجا شهر طائف یکی از شهرهای مهم حجاز دیده می شد، شهرتی که نیروهای رزمنده ی وهابی بهم زده بودند، طوری بود که قوای پادگان طائف که فرماندهی آن را علی بن حسین،

پسر حسین امر حجاز برعهده داشت، پیش از آن که حمله آغاز شود، فرار کردند. چند ساعت بعد، پس از آن که مذاکرات در مورد تسلیم شهر با زعمای قوم صورت گرفت ابن سعود وارد طائف شد. با آن که زعمای قوم شهر را تسلیم کرده بودند، خونریزی بی رحمانه ای صورت گرفت و مردم بی دفاع شهر اعم از مرد و زن و اطفال را از دم تیغ گذراندند و رقم کشته شدگان که در میان آنها علما و صلحا زیاد بود، نزدیک دو هزار نفر بودند، مغازه های بازار را تاراج کردند و خانه ها را به آتش کشیدند و چندان کارهای زشت انجام دادند که از شنیدن آنها مو بر بدن انسان راست و دل هر انسانی کباب می شود، چنانکه در دفعات [ صفحه ۵۹] قبل نیز نظیر این جنایات را کرده بودند از جمله کشته شدگان، شیخ عبدالله زواری مفتی شافعی ها بود که از مسجد بیرون کشیدند و قطعه قطعه کردند و در میان کشته شدگان برخی پرده داران و خدمتگزاران کعبه ی مکرمه که برای بیلاق به طائف آمده بودند، دیده می شدند. البته ابن سعود نتوانست این جنایات هولناک را انکار کند و ضمن اعتراف، کار وهابیان را به اعمال خالد بن ولید در فتح مکه تشبیه کرد و با سخن رسول خدا که در آن زمان فرمود: «اللهم انی ابرء الیک مما صنع خالد» پوزش خواست. [۵]. سعودیها امروزه می گویند: احتمالا ارتش بر اثر تحریکاتی که شده بود، واکنش بیش از حد تندی نشان داد. ولی آنچه مسلم است، خبر این کشتار در سراسر حجاز پیچید و وحشت آفرید ملک حسین، انگلیسی ها را به کمک طلبید، سفیر انگلیس

به او وعده داد که درخواست وی را به دولت متبوع خویش اطلاع دهد. شریف از جده به مکه بازگشت و منتظر کمک انگلستان نشست ولی آن دولت در جواب درخواست او به سفیر خود اشعار داشته بود که جنگ میان ابن سعود و ملک حسین یک جنگ مذهبی است که انگلستان به خود اجازه ی مداخله در آن را نمی دهد، اما اگر زمینه را مساعد ببیند، حاضر به میانجیگری می باشد. [۶]. طبق گفته ی «جرج آنتونیوس» دولت انگلستان گفته بود اگر طرفین درخواست کنند که میان آنها، حکم شود، در کارشان مداخله خواهد کرد. [۷]. و بنا به نقل دیگر انگلیسی ها در پاسخ حاضر شدند صرفاً او را تا بندر عقبه اسکورت و همراهی کنند که از حجاز خارج شود و به نفع پسر خود علی کناره گیری نماید. [صفحه ۶۰] در آن موقع، جمعیتی در مکه به نام حزب وطنی تشکیل یافت که هدف نهائی آن رها ساختن حجاز از وضع آشفته ای بود که دچار آن گردیده بود، جمعیت مزبور، مقرر داشت که ملک حسین، به نفع فرزند خود ملک علی، از حکومت کنار برود و ملک علی فقط پادشاه حجاز باشد. این جمعیت به این مزبور در تاریخ چهارم ربیع الأول سال ۱۳۴۳ تلگرافی به امضای صد و چهل تن از علما و اعیان و تجار و اصناف دیگر به ملک حسین مخابره کرد و موضوع مزبور را به او تکلیف نمود. ملک حسین ناگزیر این پیشنهاد را پذیرفت و حزب وطنی در روز بعد، ضمن تلگرافی، ملک علی را که در جده بود، از جریان آگاه ساخت و او به مکه آمد

و در تاریخ پنجم ربیع الأول ۱۳۴۳ زمام امور را در دست گرفت اما این تدبیر هیچ مشکلی را حل نکرد، زیرا اولاً با مخالفت خشک انگلستان مواجه شد و ثانياً ابن سعود به ملک علی همان نظری را داشت که به ملک حسین پدرش دارا بود. [۸]. چنین حکومتی در حول علی بن حسین تشکیل شد، اما هیچ کشوری آن را به رسمیت نشناخت. تا مدت یک سال بعد هنوز مسأله ی حقوقی حجاز حل نشده بود و علی بن حسین کناره گیری پدر به نفع خود را عنوان کرده خود را حاکم حجاز دانست در همان سال وهابیان بی آنکه جنگی رخ دهد، وارد شهر مقدس مکه شدند، ملک حسین و پسرش که به جده رفته بودند، وهابیه‌ها خانه ی او را غارت کرده و تمام دارائی او را تصاحب نمودند. آنگاه او بالاجبار از حجاز خارج و روانه ی بندر عقبه گردید. پس از رسیدن به مقصد، در راه پیشرفت ملک علی کوشش فراوان می کرد و به دوام حکومت وی امید فراوان داشت. در همین حال دولت انگلستان به وسیله ی یکی از امیرالبحرهای خود به ملک حسین اخطار کرد در مدت سه هفته بندر عقبه را ترک کند و به هر کجا می خواهد برود. وی ابتدا این اخطار را جدی نگرفت، ولی پس از جریاناتی که رخ داد، مجبور شد [صفحه ۶۱] سوار کشتی شود و عازم جزیره ی قبرس گردد. شریف حسین به قدری به انگلیسیها بدبین شده بود که غذا جز از دست آشپز مخصوص خود نمی خورد و می ترسید وی را مسموم کنند. شریف تا سال ۱۹۳۱ م در قبرس ماند و در این سال

بیمار شد وی را به عمان (پایتخت اردن مرکز پسرش امیر عبدالله) انتقال دادند و در آنجا و در همان سال فوت کرد و در جوار قدس شریف در بیت المقدس مدفون ساختند. [۹]. سرزمین حجاز، بجز مدینه و جده و بندر ینبع در تصرف قوای ابن سعود افتاده بود از طرفی نمایندگان از دو سوی، در رفت و آمد بودند تا مگر قضیه با صلح فیصله یابد، اما هیچ نتیجه ای نمی گرفتند. در روز دهم ربیع الثانی سال ۱۳۴۳ ابن سعود به نیت عمره، از ریاض به سوی مکه حرکت کرد و برای پیشبرد مقصود خود دست به ابتکاری زد و از سران مسلمانان جهت برگزاری یک کنفرانس اسلامی دعوت به عمل آورد، تا درباره ی این که چگونه بیت الله الحرام از تمایلات سیاسی دور نگاه داشته شود، با یکدیگر تبادل افکار نمایند، ظاهراً فقط مسلمانان هندوستان به دعوت او پاسخ مثبت دادند. [۱۰]. ابن سعود در حالی که جمعیت زیادی از سپاهیان و علمای نجد و جمعی از خاندان محمد بن عبدالوهاب و عده ای از رؤسای قبائل همراه او بودند، در مدت بیست و چهار روز به نزدیکی مکه رسید، در کوه عرفات «ابن لؤی» یکی از فرماندهان سپاه او در مکه، با هزار تن از جمعیت اخوان، به استقبال وی آمد و او به مکه غروب روز هفتم جمادی الأولى سال ۱۳۴۳ بود. پس از فتح طائف و مکه توسط وهابیان، جنگ میان ابن سعود و ملک علی در جده در گرفت و در همان سال برنامه ی حج تعطیل گردید. ملک علی جمعی از افسران [صفحه ۶۲] سوری و افراد دیگر را به حجاز فراخواند و اسلحه و

هواپیما خرید و پولها خرج کرد، ولی فائده ای نداشت وهاییها جده را محاصره کردند، و چون محاصره ی جده به طول انجامید، امیرعلی ناگزیر از مصالحه با وهاییها گردید و قرارداد صلح به وسیله ی کنسول انگلستان در جده تدوین شد و او با یک کشتی جنگی بریتانیائی و یا وسیله ی قطار از جده خارج گردید. [۱۱]. وهاییها به سال ۱۳۴۴ وارد این شهر شدند و کشتی های ملک حسین را تصاحب کردند و ملک علی در عراق نزد برادرش ملک فیصل اقامت گزید و با خروج او از حجاز ملک سعود پادشاه نجد و حجاز هر دو شد و وهاییها بر مدینه و تمام سرزمین حجاز دست یافته و عربهای حجاز را زیر فرمان خود درآوردند. ابن سعود در گرماگرم جنگ با امیرعلی می گفت که او به حجاز نیامده مگر آن که مردم حجاز را از ظلم و ستم اشراف رهائی بخشد و او قصد ندارد پادشاه حجاز بشود و در این خصوص او از مردم حجاز نظر خواهد خواست. [۱۲]. او این سخنان را همچون دیگر سیاستمداران و نیرنگ بازان دنیا که پیش از به قدرت رسیدن وعده ها می دهند و هرگز بدان عمل نمی کنند، بر زبان می راند ابن سعود به عنوان پادشاه حجاز تاجگذاری کرد «اخوان» (سربازان خاص سعودی) ناخرسندی خود را ابراز داشتند و در مراسم تاجگذاری شرکت نکردند. «اخوان» به تدریج از رئیس خود ناراضی شده بودند، آنها گمان می کردند که در راه خدا پیکار می کنند ولی نمی دانستند که در خدمت جاه و شکوه امیر قرار دارند. [۱۳].

## پاورقی

[۱] الوهابیون و الحجاز: ص ۳۳.

[۲] کشف الارتیاب: ص ۵۰ - ۵۱.

[۳] نظام آل سعود، ص

[٤] تاريخ مكة: ج ٢، ص ٢٣٦.

[٥] كشف الارتفاع: ص ٥٢.

[٦] المملكة العربية السعودية: ج ٢، ص ٣٠٠ - ٢٩٩.

[٧] يقظة العرب: ص ٤٥٥.

[٨] صلاح الدين مختار، تاريخ المملكة العربية السعودية، ج ٢، ص ٣٠٠.

[٩] صلاح المختار، ج ٢، ص ٣٠٦ و ٣١٤ تا ٣١٦.]

[١٠] نظام آل سعود: ص ٥٧.

[١١] تاريخ المملكة العربية السعودية: ج ٣، ص ٣٥٧ و ٣٦٣.

[١٢] كشف الارتفاع: ص ٥٣.

[١٣] نظام آل سعود، ص ٥٧.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

